



مزیت‌ها و محدودیت‌های کلاس‌های چندپایه براساس تجارب زیسته معلمان

کلاس‌های چندپایه

محمدصادق کریمی^{۱*} و خالد غفوری^۲

The Limitations and Benefits of Multi-Grade Classes Based on Multi-grade Classes Teachers' Lived Experiences

Mohammad Sadegh Karimi^{1*}, Khaled Ghafoori²

Abstract

The present qualitative research aimed to identify the limitations and benefits of multi-grade classes based on the lived experiences of multi-grade teachers from Kermanshah province and to propose some approaches to enhance the teaching effectiveness in such classes. The research statistical population consisted of all multi-grade teachers of Kermanshah province in the school year of 2017-2018, of whom 12 experienced teachers with the experience of teaching in such classes were selected purposively. The required data was collected through semi-structured interviews. Having been categorized and analyzed, the data was presented to the interviewees to be validated and extrapolated. The results indicated that all of the claimed benefits, including the possibility of higher and lower grades students' taking advantage of such instructions, the establishment of learning through cooperation with teachers, the development of social and communicative skills could be confirmed regarding all of the observed districts and the findings of the other studies. Such limitations as the shortage of teaching time and classroom management were general ones being recognized by the respective researchers around the world. However, a considerable part of the limitations were caused by the requirements of Iran educational system of 6-3-3 regime which resulted in experiencing both an increase in the number of grades in one class and more classroom management problems and other damages for the teachers due to the sixth grade teenagers in co-educational classes who are in the critical period of adolescence. Among the other limitations, overlooking the need for equipping these classes with technological tools, the poor selection of educational leaders and the families' economic and social constraints can be mentioned.

Keywords: Multi-Grade Class, Sixth Grade Issues, Assistant Teachers

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی محدودیت‌ها و مزیت‌های کلاس‌های چندپایه براساس تجارب زیسته معلمان کلاس‌های یادشده استان کرمانشاه و ارائه راهکارهای افزایش اثربخشی تدریس در این کلاس‌ها به شیوه کیفی اجرا شده است. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه معلمان کلاس‌های چندپایه استان کرمانشاه در سال ۹۷-۱۳۹۶ بود که از بین آن‌ها، معلمان با سابقه و باتجربه تدریس در کلاس‌های چندپایه، ۱۲ نفر به روش هدفمند انتخاب شدند و از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته، داده‌های مورد نیاز، جمع‌آوری شد. داده‌ها پس از مقوله‌بندی و تجزیه و تحلیل، مجدداً با ارائه به مصاحبه‌شوندگان اعتباریابی و مورد استنتاج قرار گرفت. نتایج نشان داد که تمام مزایای اعلام شده از قبیل امکان استفاده دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر و پایین‌تر از تدریس سایر پایه‌ها، تثبیت یادگیری از طریق هم‌یاری معلم، توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و... در تمام مناطق مشاهده شده و در سایر تحقیقات نیز مورد تأیید قرار گرفته است. محدودیت‌هایی مانند کمبود زمان برای تدریس و مشکلات کنترل کلاس نیز عام و مورد تأیید تحقیقات در تمام دنیا بوده؛ اما بخش قابل توجهی از محدودیت‌ها ناشی از شرایط نظام آموزشی ایران، مانند سیستم ۳-۳-۶ است که از یک طرف، تعداد پایه در یک کلاس را افزایش داده و از طرف دیگر، حضور دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ششم که در اوج بحران بلوغ قرار دارند، مشکلات بیشتری را در خصوص پیشگیری از برخی آسیب‌ها و کنترل کلاس، ایجاد کرده است. عدم توجه به ضرورت تجهیز این کلاس‌ها به ابزارهای فناوری، ضعف انتخاب راهبران آموزشی، و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها از دیگر محدودیت‌هاست.

واژه‌های کلیدی: کلاس چندپایه، مسائل پایه ششم، هم‌یار معلم

1. Faculty Member, Department of Education, Farhangian University. Tehran
2. PhD Student of Educational Administration, Isfahan University. Isfahan

*Corresponding Author, Email: mskh345@gmail.com

۱. عضو هیأت علمی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران
۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان

* نویسنده مسئول

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نیازها و حق طبیعی هر فردی محسوب می‌شود. انسان، بدون آموزش و پرورش قادر به ادامه حیات اجتماعی نخواهد بود. آموزش و پرورش، نه تنها یک ضرورت برای کمک به استقلال فرد و زندگی اجتماعی او است، بلکه وسیله‌ای برای توسعه عدالت در جامعه محسوب می‌شود. در همین راستا کارنیرو^۱ (۱۹۹۸) اذعان می‌دارند که «هیچ جامعه‌ای بدون آموزش و پرورش استوار نمی‌تواند سودای برابری و عدالت را در سر بپروراند»؛ (به نقل از آقازاده و فضلی، ۱۳۸۹). عملیات مربوط به حوزه آموزش و پرورش در زمره مسئولیت‌های جامعه در کلیت آنو در قلمرو سیاست‌های عمومی و دولتی به‌طور خاص قرار می‌گیرد که می‌تواند به عنوان عاملی برای عدالت، مورد توجه قرار گیرد (بشیری حدادان، محمودی، رضاپور و ادیب، ۱۳۹۴). اما از طرف دیگر، محدودیت‌هایی از قبیل شرایط اقلیمی، مشکلات مالی، تأمین معلم و غیره، تشکیل کلاس برای تمام افراد واجب‌التعلیم را با مشکلاتی مواجه ساخته است؛ از این‌رو در بسیاری از نقاط کشور ما، مانند سایر نقاط دنیا، امکان جذب تمام کودکان واجب‌التعلیم وجود ندارد. یکی از دلایل این عدم جذب، تعداد اندک کودکان هم‌سن در یک منطقه جغرافیایی است که امکان تشکیل کلاس مستقل را برای هر گروه سنی در یک پایه تحصیلی، به آموزش و پرورش نمی‌دهد. یکی از رایج‌ترین شیوه‌های عمل در چنین شرایطی، ادغام کودکان در سنین و پایه‌های مختلف در یک گروه و آموزش به آن‌ها توسط یک معلم است.

از نظر لیتل^۲ (۲۰۰۱) امروزه سیستم‌های آموزشی به‌وسیله سن، درجه و سطح دانش‌آموزان سازماندهی می‌شوند. این سازماندهی به دو صورت کلاس‌های تک‌پایه و کلاس‌های چندپایه^۳ انجام می‌پذیرد. مکوسانا و کاپیسا^۴، ترجمه آقازاده (۱۳۸۶) معتقدند که شرایط متنوع در حوزه آموزش و پرورش، ایجاد کلاس‌های چندپایه را که در آن، یک معلم مجبور است چند پایه را به‌طور هم‌زمان و در یک کلاس تدریس کند، ضروری می‌سازد. این موقعیت‌ها معمولاً در مدارس روستایی و خاص، بیشتر رایج است. حتی تحقیقات پروهل، داگلاس، جانسون و وست‌اسمیت^۵ (۲۰۱۳) نیز نشان می‌دهد که مدارس کاتولیک در آمریکا نیز با کاهش ثبت‌نام، مواجه و ناچار به تشکیل کلاس‌های چندپایه شده‌اند. رحمانی (۱۳۹۶) نیز معتقد است که در نظام آموزشی کشور ما وجود کلاس‌های چندپایه واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است. صمدیان (۱۳۹۱) دلایل اصلی تشکیل کلاس‌های چندپایه را پایین بودن تعداد دانش‌آموزان در مناطق روستایی و کمبود معلم می‌دانند که شیوه‌ای برای ایجاد

1. Carneiro

2. Little

3. multigrade

4. Macsona & Capisa

5. Proehl, Douglas, Johnson & Westsmith

دسترسی بیشتر کودکان روستایی به آموزش و پرورش است (به نقل از عباس‌پور، جهانی و مناجاتی‌پور، ۱۳۹۵)

منظور از کلاس‌های چندپایه، کلاس‌هایی است که در طول سال تحصیلی، دانش‌آموزانی با سن، توانایی، مهارت و هم‌چنین پایه تحصیلی متفاوت، همه در یک اتاق و توسط یک معلم آموزش می‌بینند (مرادی و بیگدلی، ۱۳۹۵: ۵). در کلاس چندپایه، معلم در یک کلاس به آموزش و پرورش تعدادی دانش‌آموز در دو پایه تحصیلی یا بیشتر مشغول است. از نظر آقازاده (۱۳۸۴) آموزش چندپایه در حقیقت تشکیل شده از فزونی است که به معلمان امکان هدایت یادگیری دانش‌آموزان با سطوح سنی متفاوت و توانایی‌های گوناگون را به صورت هم‌زمان می‌دهد. کلاس چندپایه، کلاسی است که با حضور دانش‌آموزان دو یا چند پایه تحصیلی و با تدریس یک معلم در یک اتاق درس، تشکیل و اداره می‌شود. در تحلیل کلاس چندپایه، دو دیدگاه اصلی، مخالف و موافق وجود دارد. برخی این کلاس‌ها را جزء معضلات آموزشی می‌دانند که باید از میان برداشته شود و برخی دیگر وجود این کلاس‌ها را به مانند فرصتی برای یک عمل آموزش و پرورش بهینه به‌شمار آورده‌اند (به نقل از بهمن‌نیا و محمودیان‌آذر، ۱۳۹۶). کلاس‌های چندپایه، علی‌رغم محدودیت‌ها، مزایای قابل توجهی دارند که در پژوهش‌های متعددی به آن‌ها اشاره شده است. لاوگراو، ترجمه سمیعی (۱۳۹۲) از کلاس چندپایه با عنوان دبستان تک‌آموزگار یاد کرده و می‌نویسد: دبستان تک‌آموزگار نمونه عالی همه مؤسسات آموزشی است. در دبستان تک‌آموزگار، معلم چون پیغمبری است که شاگردان به دورش حلقه زده‌اند و وی در دبستان خود، پیش‌آهنگ آموزش و پرورش است. دبستان تک‌آموزگار، مزایای خاصی دربردارد، چون کوچک است، ساختمان آن ارزان تمام می‌شود. شاگردان این مدرسه، تشکیل نوعی خانواده می‌دهند که در آن، بزرگترها عادت می‌کنند، کوچک‌ترها را مورد حمایت قرار دهند و کودکان با استعدادتر، دیگران را از معلومات خود بهره‌مند سازند. آموزگار بیشتر نقش برنامه‌ریز و مشاور را ایفا می‌کند تا نقش مربی و چون نمی‌تواند در آن واحد به همه کلاس‌ها درس همگانی بدهد، به شاگردان، نزدیک می‌شود و درمیان آن‌ها گردش می‌کند و هر جا که لازم باشد به آن‌ها کمک می‌کند. کودکان ناگزیرند به امکانات خود متکی باشند و در پرتو راهنمایی‌های معلمشان فرا می‌گیرند که چگونه کار خویش را سازمان دهند، درباره مشکلات مشترک خود بحث کنند، به نتایجی درست برسند و رفتار گروه خود را در جهات مطلوب سوق دهند.

پراکندگی جغرافیایی در بسیاری از مناطق کشور ما و نیز وضع موجود اقتصادی و جمعیتی حاکم بر مناطق روستایی از یک طرف و شرایط ساختاری و مالی آموزش و پرورش از طرف دیگر، تشکیل کلاس‌های چندپایه در کشور ما را ضروری ساخته است. اثربخشی این کلاس‌ها منوط به توجه و حمایت اطلاعاتی و علمی معلمان این کلاس‌ها می‌باشد؛ بنابراین برای فراهم ساختن اطلاعات علمی در راستای توسعه حرفه‌ای معلمان چندپایه، انجام پژوهش‌های کاربردی و جمع‌آوری

و تجزیه و تحلیل تجربه‌های زیسته در این کلاس‌ها امری ضروری است. نگارندگان نیز با همین انگیزه، اقدام به اجرای پژوهش حاضر نموده‌اند.

با توجه به شرایط اقلیمی کشور ما و نیز وضع موجود اقتصادی حاکم بر مناطق روستایی دور افتاده، تشکیل کلاس‌های چندپایه در دوره ابتدایی با امکانات آموزشی و رفاهی بسیار پایین، واقعیتی است که نباید نادیده گرفته شود؛ چرا که کاهش جمعیت روستاها به دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها، کاهش جمعیت کشور و بالا رفتن سن ازدواج، باعث کاهش جمعیت دانش‌آموزی و در نتیجه افزایش کلاس‌های چندپایه شده است و تنها دبستان‌های روستاهای پرجمعیت و مراکز بخش‌ها دارای کلاس‌های تک‌پایه هستند. لذا اهتمام به این مهم باید به عنوان بخش مهمی از وظیفه دست‌اندرکاران تلقی شود.

مسائلی که تشکیل کلاس‌های چندپایه را ضروری ساخته، تقریباً در تمام نقاط دنیا وجود دارد. تحقیقات پراهل و دیگران (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که ثبت‌نام در مدارس دولتی آمریکا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ با کاهش ۲۳ درصدی و در مدارس کاتولیک با کاهش ۲۴ درصدی مواجه بوده است. همین تحقیقات یک استراتژی ممکن برای مقابله با این مشکل را تشکیل کلاس‌های چندپایه اعلام کرده است که در آن، دانش‌آموزان در دو یا چند پایه در یک کلاس ترکیب می‌شوند. سلیمانی و همکاران (۱۳۸۹) ویتنام را از جمله کشورهایی معرفی می‌کنند که منابع قابل توجهی را صرف گسترش کلاس‌های چندپایه نموده است و آموزش چندپایه را به عنوان یک روش آموزشی به رسمیت شناخته و خواستار ارتقای گسترده آن شده است. نویسندگان در ادامه می‌نویسند: ژاپن نیز از جمله کشورهایی است که با تصویب قوانینی از جمله «قانون اصلاح آموزش و پرورش در مناطق دورافتاده» تلاش کرده استانداردها را در کلاس‌های چندپایه بالا ببرد. به گفته آقازاده و فضلی (۱۳۸۹) در حالی که تشکیل کلاس‌های چندپایه در کشور ما و تعدادی دیگر از کشورها از روی ناچاری است، در کشورهایی مانند آمریکا و کانادا، تشکیل کلاس‌های چندپایه، به دلیل تحقق اهدافی دیگر صورت می‌گیرد (به نقل از عزیزی و حسین‌پناهی، ۱۳۹۲).

تدریس در کلاس‌های چندپایه، پدیده تازه‌ای نیست. در برخی از کشورها، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، چندین قرن است که از این روش آموزشی در مدرسه‌های مذهبی استفاده می‌شود. در کشورهایی مثل چین و نپال، پیش از اجباری شدن آموزش ابتدایی و نیز در کشورهایی که تحت سلطه استعمار قرار داشتند، تدریس در کلاس‌های چندپایه از قدمت یک‌صدساله برخوردار است (آقازاده، ۱۳۸۴؛ به نقل از عباس‌پور، جهانی و مناجاتی‌پور، ۱۳۹۵). در رابطه با تأثیرات مثبت و منفی کلاس‌های چندپایه یا بی‌تأثیر بودن آن‌ها بر فرآیند یاددهی یادگیری، تحقیقات متعددی انجام شده است که به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. برخی از آن‌ها استفاده از کلاس‌های چندپایه را در درس‌هایی چون قرائت، ریاضی و دیگر موضوعات فهمیدنی، سودمند نمی‌دانند و برخی دیگر هم محدودیت‌هایی برای این‌گونه کلاس‌ها برشمرده‌اند (فضلی، ۱۳۸۲). یافته‌های پژوهش سلیمانی و

همکاران (۱۳۸۹) نشان داده است که بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی و چندپایه در چهار درس علوم، جغرافی، فارسی و ریاضی، تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه دانش‌آموزان عادی بوده است؛ ولی تفاوت بین سطح مهارت‌های اجتماعی به نفع دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه بوده است. خاکزاد، دهقانی و رزی (۱۳۹۵) به پژوهش‌هایی اشاره دارند که این نتایج را تأیید کرده و اشاره می‌کنند که در بسیاری از پژوهش‌ها (مالاوسکی، ۲۰۰۹؛ جیمز و همکاران، ۲۰۰۶؛ توماس و شاو، ۱۹۹۲؛ و وین من، ۱۹۹۵) گزارش شده است که کلاس‌های چندپایه، اثرات سودمندی را بر توانایی‌های غیرشناختی دانش‌آموزان از جمله آگاهی از مفهوم خود، اعتماد به نفس و ویژگی‌های عاطفی و اجتماعی دارد. نویسنده همچنین به تحقیقاتی اشاره می‌کند (کلیک و آبی، ۲۰۱۰؛ ماسون و برنز، ۱۹۹۴؛ و بلام و دیوان، ۲۰۰۷) که بیانگر مشکلات معلمان در کلاس‌های چندپایه و تأثیرات منفی کلاس‌های چندپایه در حیطه شناختی و همچنین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان این کلاس‌ها بوده است. نتایج متفاوت تحقیق عزیزی و حسین‌پناهی (۱۳۹۲) نشان داده است فعالیت‌های آموزشی در پایه اول کلاس‌های چندپایه، تأثیر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه دوم همان کلاس‌ها در زمینه خواندن، گوش دادن، صحبت کردن و مهارت املا داشته است؛ این درحالی است که یافته‌های پژوهش، تفاوت معناداری را در میانگین نمرات دانش‌آموزان دو گروه در مهارت انشای آن‌ها نشان نداده است.

پژوهش‌های بسیاری نیز نشان داده‌اند که اثربخشی تدریس در کلاس‌های چندپایه در شرایطی با به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای خاصی افزایش یافته است؛ از جمله برخی پژوهش‌ها در استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای و فناوری‌های نوین تأکید کرده‌اند. برای مثال، پژوهش ازتورک، ایلماز، آکان و کاپلان^۱ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای دانش‌آموزان در ترکیه، استفاده از نرم‌افزارهای کامپیوتری در مدارس چندپایه برای جبران کمبود وقت معلم می‌باشد؛ اما به‌نظر معلمان کلاس‌های چندپایه در ترکیه، موانع اصلی استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای، علاوه بر فراهم نبودن امکانات و زیرساخت‌ها، نگرش و تجارب معلمان، ضعف سواد رایانه‌ای دانش‌آموزان و خانواده‌ها و نگرش آن‌ها نیز بوده است. پیری و شاهی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی تأثیر آموزش چندرسانه‌ای بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ششم کلاس‌های چندپایه عشایری در درس علوم تجربی را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش، نشان داده که بین درگیری تحصیلی (رفتاری، علمی، روان‌شناختی و شناختی) دانش‌آموزان گروه‌های آزمایش و کنترل، تفاوت معناداری به نفع دانش‌آموزان آموزش‌دیده با روش چندرسانه‌ای، در هردو گروه دختران و پسران وجود دارد.

رحمانی (۱۳۹۶) در مطالعه خود به بررسی تأثیر طرح همیارمعلم در کلاس چندپایه پرداخته و اعلام داشته که با اجرای طرح همیارمعلم، علاوه بر افزایش زمان فعال آموزش در مدارس چندپایه

1 Ozturk, Yilmaz, Akan & Kaplan

که از دغدغه‌های اصلی معلمان چندپایه است، رفع مشکل بودجه‌بندی دروس، بروز اندیشه‌های نو، استعداد‌های پنهان و ابراز خلاقیت‌های نهفته دانش‌آموزان، مرتفع گشته و دانش‌آموزان علاوه بر یادگیری مطالب درسی از نظر رفتاری و پرورشی نیز به سطح قابل قبولی ارتقا یافته‌اند. در مقابل، یافته‌های بهمن‌نیا و محمودیان‌آذر (۱۳۹۶) نشان داده که برای اداره کلاس‌های چندپایه، روش‌های مشخصی وجود ندارد و نمی‌توان گفت کدام روش برای اداره کلاس، بهترین است؛ بلکه معلم با توجه به تعداد پایه‌ها، امکانات موجود، زمان و ... از شیوه‌های معینی استفاده می‌کند. بررسی‌های عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان داده که با توجه به فشار کاری مضاعف بیشتر معلمان در این‌گونه مدارس و همچنین با توجه به این که انجام امور اداری و دفتری با امر تدریس و آموزش به صورت توأم انجام می‌شود، استفاده از روش خودراهبری در یادگیری باعث می‌شود که آموزش و یادگیری توسط خود دانش‌آموز، انجام و پی‌گیری شود. برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی نظرات معلمان چندپایه پرداخته‌اند، از جمله؛ مرتضویان، نیلی، نصراصفهان‌ی و حسنی (۲۰۱۷) با ۱۴ معلم نمونه به مصاحبه پرداخته‌اند که نتایج نشان داده، علی‌رغم مشابهت نظرات در روش‌های آموزشی، تعیین فعالیت‌های یادگیری و روش‌های گروه‌بندی، در مورد تعیین نوع مواد آموزشی و منابع نظرات مشابهی نداشتند.

در کشور ما براساس گزارش مرکز آمار آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۲ حدود ۴۰ درصد مدارس ابتدایی، چندپایه بوده است (خاکزاد؛ دهقانی و رزی، ۱۳۹۵). طبق آمار موجود در مدیریت آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ حدود ۶۱۸۵۴ دانش‌آموز ابتدایی در ۱۹۲۳ کلاس چندپایه در سطح استان، مشغول به تحصیل هستند؛ بنابراین وجود کلاس‌های چندپایه که تعداد قابل توجهی از جمعیت دانش‌آموزی را در خود جای داده است، واقعیتی پیش روی مسئولین آموزش و پرورش کشور است. در راستای توسعه حرفه‌ای معلمان چندپایه و افزایش اثربخشی تدریس در این کلاس‌ها استفاده از تجارب زیسته معلمان، یکی از مهم‌ترین منابع فراهم‌سازی اطلاعات کاربردی برای استفاده در اداره کلاس‌های چندپایه خواهد بود. هدف پژوهش حاضر، شناسایی محدودیت‌ها و قابلیت‌های کلاس‌های چندپایه در راستای رشد همه جانبه دانش‌آموزان، اعم از ذهنی، جسمی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی بوده است. در این راستا، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. مهم‌ترین محدودیت‌های کلاس‌های چندپایه در مدارس استان کرمانشاه برای هدایت رشد همه جانبه دانش‌آموزان، طبق تجارب زیسته معلمان چندپایه چیست؟
۲. مهم‌ترین قابلیت‌های کلاس‌های چندپایه در مدارس استان کرمانشاه برای هدایت رشد همه جانبه دانش‌آموزان، طبق تجارب زیسته معلمان چندپایه چیست؟

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی به شیوه پدیدارشناسی است که برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده کرده است. «پدیدارشناسی در پارادایم ساختارگرایی با توجه به درک یا معنای پدیده توسط مشارکت‌کنندگان و نگاه ذهنی آن‌ها شکل می‌گیرد. هنگامی که مشارکت‌کنندگان، درک خود را از یک موضوع بیان می‌کنند، در واقع از معنای شکل گرفته از طریق تعامل اجتماعی با دیگران و تجارب شخصی خود صحبت می‌کنند. در این شکل از مطالعه، پژوهش از بالا به پایین شکل می‌گیرد، از دیدگاه‌های افراد به الگوهای گسترده‌تر و در نهایت به یک نظریه ختم می‌شود.» (کرسول و پلانوکلازک^۱، ۲۰۰۷؛ ترجمه کیامنش و جاویدسرای، ۱۳۹۴). جامعه آماری پژوهش شامل کلیه آموزگاران کلاس‌های چندپایه در سطح استان کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶، با حجم ۱۹۲۳ نفر بوده است. از این جامعه، ابتدا افرادی به صورت هدفمند، به گونه‌ای انتخاب شدند که حتی‌المقدور بیشترین سنوات تدریس را در مناطق مختلفی تجربه کرده بودند؛ اما با توجه به اشباع نظری داده‌ها تنها با ۱۲ نفر مصاحبه به عمل آمد. اظهارات نمونه‌ها در جریان مصاحبه، ثبت و در پایان از طریق تحلیل محتوا، مقوله‌بندی گردید که مهم‌ترین ویژگی‌های مثبت و همین‌طور محدودیت‌های کلاس‌های چندپایه، استنتاج و طبقه‌بندی گردید.

یافته‌ها

سؤال اول: مهم‌ترین محدودیت‌های کلاس‌های چندپایه در مدارس استان کرمانشاه برای هدایت رشد همه جانبه دانش‌آموزان، طبق تجارب زیسته معلمان چندپایه چیست؟
براساس تحلیل اظهارات مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش اول پژوهش، مهم‌ترین محدودیت‌های کلاس‌های چندپایه در پانزده مقوله به شرح جدول (۱)، استخراج گردید.

جدول (۱) مقوله‌بندی محدودیت‌های ادراک شده توسط آموزگاران چندپایه

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	شرح مقوله	نمونه اظهارات
محدودیت	کمبود وقت تدریس	با توجه به تعدد پایه‌ها امکان زمان‌بندی عادی مشابه کلاس‌های تک‌پایه و استفاده از تمام وقت کلاس برای تدریس یک پایه وجود ندارد.	آموزگار کلاس تک‌پایه تمام وقت کلاس را صرف برنامه‌ریزی و تدریس همان یک پایه می‌کند و اغلب، وقت اضافی هم دارد؛ ولی ما (آموزگاران چندپایه) باید همان زمان را برای تدریس در چندپایه تقسیم کنیم و به تعداد پایه‌ها نسبت به کلاس تک‌پایه تنها کسری از زمان را برای تدریس در هرپایه در اختیار داریم.

1 Creswell & Plano Clark

جدول (۱) مقوله‌بندی محدودیت‌های ادراک شده توسط آموزگاران چندپایه

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	شرح مقوله	نمونه اظهارات
محدودیت	افزایش محدودیت زمان	با ورود پایه ششم به مقطع ابتدایی، کمبود وقت تدریس نسبت به گذشته بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا عملاً یک پایه به برخی از کلاس‌ها اضافه شده است.	از زمان اجرایی شدن سیستم «۳-۳-۶» مشکلات کلاس‌های چندپایه مضاعف شده که از جمله محدودیت بیشتر زمان تدریس به خاطر افزایش تعداد پایه‌ها در یک کلاس بوده است.
	عدم تخصص تدریس	با توجه به این که دروس ریاضی، علوم و ادبیات پایه ششم تا حدود زیادی تخصصی و سنگین می‌باشد، توان علمی جمع‌کنی از آموزگاران در تفهیم مطالب به دانش‌آموزان، محدود است و سطح علمی دانش‌آموزان چندپایه روستایی نسبت مدارس شهری در سال‌های اخیر، کاهش یافته است.	لازم بود که قبل از ورود دانش‌آموزان پایه ششم، ما (آموزگاران چندپایه) هم با آموزگاران پایه ششم در دوره‌های ضمن خدمت آموزش‌های تخصصی شرکت می‌کردیم تا با آمادگی بیشتری به تدریس علوم، ریاضی و فارسی می‌پرداختیم.
	کاهش ارتباط عاطفی	نیمه‌وقت کردن ساعت کاری مدارس روستایی و حذف بیتوته در بیشتر مدارس روستایی، باعث کاهش و حذف ارتباط اولیا با آموزگاران و کاهش ارتباط عاطفی معلم با دانش‌آموزان گردیده و کمبود وقت تدریس را دوچندان نموده است.	قبلاً که آموزگاران از مزایای بیتوته در روستا استفاده می‌کردند، اوقات خارج از مدرسه، فرصت‌های خوبی را برای ارتباط بیشتر با دانش‌آموزان و اولیا آن‌ها، درک متقابل و همکاری را به وجود می‌آورد.
محدودیت	دشواری کنترل کلاس مختلط نوجوانان	با اضافه شدن پایه ششم به مدارس چندپایه روستایی که سن ورود به دوره نوجوانی می‌باشد، کنترل کلاس مختلط را مخصوصاً برای آموزگاران خانم جوان مشکل‌تر کرده است.	بین دختر و پسرها، مخصوصاً پایه ششم، مسائلی شکل می‌گیرد که ما در برخورد با آن درمانده‌ایم. اگر به اولیا ارجاع دهیم ممکن است درگیری‌های خانوادگی شکل بگیرد و در مراجعه به راهبر آموزشی هم هیچ کمک تخصصی دریافت نمی‌کنیم.
	اتلاف وقت ناشی از عدم بیتوته	به علت نیمه‌وقت شدن مدارس و حذف بیتوته آموزگاران و استفاده از سیستم گرمایشی بخاری در مدارس در فصل سرما و دیر رسیدن معلمان به محل کار، زمان قابل ملاحظه‌ای از وقت تدریس، صرف گرم کردن فضای کلاس می‌گردد.	زمان تدریس در کلاس چندپایه به خودی خود محدود است، آن وقت بخشی از وقت ما صرف مسائل حاشیه‌ای می‌شود. مثلاً زمستان تا کلاس را گرم و آماده کنیم عملاً ساعت اول را از دست می‌دهیم.
	بی‌توجهی به برخی از دروس	عدم توجه کافی به تدریس دروس هنر، تربیت‌بدنی، انشا، قرآن و هدیه‌های آسمانی به علت کمبود وقت و پرداختن به دروس علوم و ریاضی و فارسی که مورد توجه راهبران آموزشی و خانواده‌ها است.	راهبران آموزشی بیشتر به درس‌های علوم و ریاضی و فارسی اهمیت می‌دهند و به ما توصیه می‌کنند که وقت کلاس را بیشتر صرف این دروس کنیم. حتی بعضی از خانواده‌ها هم همین‌طور هستند. ما هم که کمبود وقت داریم، ناچار هستیم که همین کار را انجام دهیم.

جدول (۱) مقوله‌بندی محدودیت‌های ادراک شده توسط آموزگاران چندپایه

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	شرح مقوله	نمونه اظهارات
عدم امکان استفاده از مزایای کلاس چندپایه	عدم امکان استفاده از مزایای کلاس چندپایه	به علت آمار کم دانش‌آموزان در پایه‌های متفاوت، امکان گروه‌بندی و استفاده از مزایای آن در مدارس چندپایه، کم‌رنگ می‌باشد.	ما در بعضی از پایه‌ها فقط یک دانش‌آموز داریم و عملاً چیزی به نام گروه‌بندی معنا ندارد و بچه‌ها باید تابع گروه‌های بزرگ‌تر باشند.
	ضعف مزایا	نبود هیچ‌گونه مزایای مالی و تشویقی برای آموزگاران چندپایه نسبت به مزایای آموزگاران تک‌پایه	هیچ امتیاز مالی یا حتی تشویقی یا امکانات خاصی برای آموزگاران چندپایه وجود ندارد.
حجم زیاد محتوا	حجم زیاد محتوا	حجم بالای کتاب‌های درسی برای چندپایه (از کتاب‌های مدارس معمولی استفاده می‌شود و کتابی متناسب کلاس‌های چندپایه تدوین نشده) و به تبع آن، کمبود وقت و حجم کاری زیاد معلمان	در کلاس سه پایه ما یک‌سوم زمان معمول را در اختیار داریم که باید در این زمان، همان محتوا را با همان بارم‌بندی تدریس کنیم.
	عدم آموزش آموزگاران	معلمان آموزش‌ندیده و عدم توجه ادارات آموزش و پرورش به ضرورت برگزاری مستمر دوره‌های توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه	در برنامه‌ریزی دوره‌های ضمن خدمت، آموزگاران چندپایه، اولویت آخر آموزش و پرورش هستند و الآن چند سال است که دوره تخصصی نداشته‌ایم.
راهبران آموزشی غیرمتخصص	راهبران آموزشی غیرمتخصص	ناآگاهی راهبران آموزشی از ویژگی‌های کلاس چندپایه و مهارت‌های تدریس در این کلاس‌ها	به جای این‌که راهبر آموزشی از معلمان باتجربه انتخاب شوند، صرفاً براساس رابطه و به بهانه مدرک تحصیلی بالاتر انتخاب می‌شوند که القای تدریس چندپایه را نمی‌دانند و اغلب، دخالت آن‌ها در مسائل آموزشی، مشکلات را مضاعف می‌کند.
	عدم وجود تجهیزات	عدم وجود وسایل و امکانات آموزشی و آزمایشگاهی و حتی کلاس مناسب و بزرگ	ما از کوچک‌ترین وسایل و حتی ابزارهای ساده مانند ابتدایی‌ترین وسایل آزمایشگاهی بی‌بهره هستیم و حتی فضای کلاس‌ها، اغلب جای کافی برای بچه‌ها هم ندارد.
ضعف فرهنگی	ضعف فرهنگی	اولیای کم‌سواد و بی‌سواد که نمی‌توانند در زمینه درسی کمکی به فرزندشان نمایند.	در مدارس دیگر، بخشی از کار معلم را پدر و مادرها انجام می‌دهند و روی تکالیف آنها نظارت دارند؛ درحالی‌که مدارس چندپایه در مناطقی است که اغلب اولیا، بی‌سواد هستند.
	ضعف اقتصادی	به دلیل این‌که اغلب مدارس چندپایه در مناطق روستایی با امکانات اقتصادی ضعیف و یا مناطق عشایری قرار داشته که از طریق کشاورزی و دامداری سنتی امرار معاش می‌کنند و دانش‌آموزان باید در زمان‌های خاصی برای کمک در امور کشاورزی مدرسه را ترک کنند، محدودیت زمانی مضاعف می‌گردد.	دانش‌آموزان ما کمک کار خانواده‌ها هستند و ما در ایامی از سال اجباراً فعالیت‌های آموزشی را محدود می‌کنیم تا بچه‌ها در امور کشاورزی و اقتصادی به خانواده کمک کنند.

سؤال دوم: مهم‌ترین قابلیت‌های کلاس‌های چندپایه در مدارس استان کرمانشاه برای هدایت رشد همه جانبه دانش‌آموزان، طبق تجارب زیسته معلمان چندپایه چیست؟
براساس تحلیل اظهارات مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، مهم‌ترین مزیت‌های کلاس‌های چندپایه در نه مقوله به شرح جدول (۲)، استخراج گردید.

جدول (۲) مقوله‌بندی مزیت‌های ادراک شده توسط آموزگاران چندپایه

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	شرح مقوله	نمونه اظهارات
	ارتباط عاطفی	در این کلاس‌ها مخصوصاً اگر آمار یک پایه کم باشد، معلم با دانش‌آموزان، ارتباط عاطفی بیشتری برقرار می‌کند.	چون باید به فعالیت دانش‌آموزان هر پایه، نظارت نزدیک داشته و برای هرکدام یا هر گروه، توضیحات جداگانه بدهیم، صمیمیت بیشتری شکل می‌گیرد.
	آزادی عمل	معلم در اداره کلاس و بودجه‌بندی زمان کلاس، آزادی عمل دارد و از این طریق می‌تواند در اختصاص زمان به پایه‌ها و دروس مختلف برحسب شرایط و نیاز، تغییر ایجاد کند.	هر وقت که یک پایه، پیشرفت مناسب داشته باشد، می‌توانیم از وقت آن‌ها برای رسیدگی به دانش‌آموزان یا پایه‌های ضعیف‌تر استفاده کنیم.
	انعطاف‌پذیری	معلم اختیار بیشتری در انتخاب طرح آرایش و چینش کلاس داشته و می‌تواند در این زمینه منعطف عمل کند.	می‌توانیم شکل‌های مختلف گروه‌بندی و ترتیب نشستن بچه‌ها را برحسب شرایط انتخاب کنیم.
مزیت	خلیفه‌گری	امکان استفاده از دانش‌آموزان مستعد پایه‌های بالاتر برای تدریس و کمک به دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر فراهم است.	اغلب به دلیل محدودیت وقت باید برای تدریس در پایه‌های اول و دوم از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر استفاده می‌کنیم.
	تدریس جبرانی	امکان استفاده دانش‌آموزان ضعیف پایه‌های بالاتر، هنگام تدریس معلم برای دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر.	برخی از دانش‌آموزان، ضعف پایه داشته و مفاهیم و محتواهای پایه را در سال‌های اولیه یاد نگرفته‌اند؛ و در پایه بالاتر، ثبت‌نام شده‌اند که به ناچار باید با بچه‌های پایه قبلی مجدداً به فعالیت‌های یادگیری بپردازند.
	تثبیت یادگیری در اثر خلیفه‌گری	زمانی که دانش‌آموز پایه بالاتر برای دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر تدریس می‌کند، یادگیری خودش نیز تثبیت شده، عمق بیشتری پیدا می‌کند و به یادگیری معنادار تبدیل می‌شود.	بچه‌هایی که برای تدریس به معلم کمک می‌کنند، درک بهتری از مطالب پیدا کرده و می‌توانند مطالب تدریس شده توسط خودشان را به مباحث جدید، مرتبط سازند.

جدول (۲) مقوله‌بندی مزیت‌های ادراک شده توسط آموزگاران چندپایه

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	شرح مقوله	نمونه اظهارات
	تعامل در فعالیت‌های ورزشی و هنری	ادغام و تلفیق دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در فعالیت‌های ورزشی و هنری، موجب تبادل تجربه و تعامل در این زمینه‌ها می‌شود.	برای ورزش و هنر، کار ما خیلی راحت‌تر است (البته اگر فرصت پرداختن به آن‌ها باشد). چون بچه‌ها خیلی به همدیگر کمک می‌کنند.
مزیت	توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی	تعامل دانش‌آموزان غیرهم‌سن در فعالیت‌های ورزشی و هنری و مشارکت در فرآیند تدریس، موجب انتقال تجارب و توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی دانش‌آموزان می‌گردد و در همین زمینه حس همکاری و کارگروهی در آن‌ها تقویت می‌شود.	بچه‌های چندپایه در درس‌ها از بچه‌های یک پایه، ضعیف‌تر هستند؛ ولی در عوض، خیلی اجتماعی‌ترند و چون با بچه‌های غیرهم‌جنس و غیرهم‌سن ارتباط دارند، رشد بیشتری دارند که البته با مشکلاتی نیز همراه است.
	خودراهبری در مدیریت یادگیری	با توجه به نوع فعالیت‌ها و تکالیف یادگیری، پس از مدتی دانش‌آموزان به سطحی از خودراهبری و مدیریت بر یادگیری خود می‌رسند.	بچه‌ها چون بیشتر با همدیگر فعالیت می‌کنند، مهارت استفاده از منابع یادگیری در آن‌ها تقویت می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل اظهارات ثبت شده در فرآیند مصاحبه‌ها، محدودیت‌ها و مزایایی قابل استنتاج بوده که برخی از آن‌ها توسط پژوهش‌های پیشین نیز تأیید شده است و وابستگی کمتری به شرایط مکانی و زمانی داشته و قابلیت تعمیم بیشتری دارد. برخی محدودیت‌ها ناشی از تغییر ساختار آموزش عمومی به حالت فعلی (۳-۳-۶) بوده و برخی نیز بستگی زیادی به شرایط اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی روستا و مدیریت آموزش و پرورش منطقه دارد. آن‌چه از تأکید مصاحبه‌شوندگان برمی‌آید این است که کلاس چندپایه بیش از آن‌که محدودیت باشد می‌تواند فرصتی برای تحقق اهداف آموزش و پرورش در راستای رشد همه‌جانبه کودکان و توجه به ابعاد جسمی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی در کنار بعد ذهنی آن‌ها باشد؛ اما برخی محدودیت‌های ناشی از ضعف مدیریت و یا شرایط اقتصادی و اجتماعی منطقه، تحقق این اهداف را با مشکل مواجه ساخته که با برخی تدابیر و حمایت‌های مدیریتی قابل رفع می‌باشند. برخی دیگر از محدودیت‌ها نیز ناشی از برنامه‌های کلان و ساختار متمرکز نظام آموزشی است که ورود به آنها خارج از حیطه اختیارات و توان مدیریتی در سطح منطقه و استان است. از جمله مهم‌ترین این موارد، تغییر ساختار نظام آموزشی به (۳-۳-۶)

می‌باشد. تغییر ساختار آموزش عمومی موجب شده تا بسیاری از کلاس‌های چندپایه به شش پایه ارتقا یابد که این افزایش پایه، محدودیت‌های زیر را به صورت مضاعف به نظام مدارس چندپایه تحمیل کرده است: محدودیت زمانی تدریس، بیش‌تر و محسوس‌تر شده است؛ حضور پایه ششم که شامل دانش‌آموزان نوجوان در بحران بلوغ است، کنترل کلاس‌های مختلط را برای معلمان، بسیار دشوارتر ساخته و احتمال بروز برخی آسیب‌ها را افزایش می‌دهد؛ با توجه به ماهیت تخصصی برخی از دروس پایه ششم و عدم آمادگی آموزگاران برای تدریس این مفاهیم تخصصی، سطح علمی دانش‌آموزان این پایه در مدارس چندپایه کاهش یافته است.

محدودیت‌های بیان شده زیر نیز به میزان زیادی به شرایط بومی روستا و هم‌چنین عملکرد مدیریت مناطق آموزشی بستگی داشته و ممکن است از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت باشد. این محدودیت‌ها شامل مسائل بهداشتی در فضای محدود کلاس؛ شیوه انتخاب راهبران آموزشی که در مواردی منجر به انتخاب افرادی شده که توانایی لازم برای تسهیل شرایط تدریس معلمان چندپایه را ندارند و حتی گاهی موجب بروز مشکلاتی برای معلمان چندپایه شده‌اند؛ الزام دانش‌آموزان در برخی از مناطق به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین معاش خانواده؛ عدم تشکیل مستمر دوره‌های توانمندسازی آموزگاران چندپایه؛ عدم اهتمام آموزش و پرورش منطقه به تجهیز کلاس‌های چندپایه به ابزارهای آموزشی و رایانه؛ و کم‌سوادی والدین و عدم توانایی برای مشارکت در فرآیند تدریس و یادگیری فرزندشان است.

محدودیت‌های استنتاج شده زیر نیز ناشی از برنامه‌ریزی کلان و متمرکز نظام آموزشی است که حل و فصل آن‌ها در سطح اختیارات و امکانات معلم یا آموزش و پرورش منطقه و استان نیست. این محدودیت‌ها نیز شامل ضعف اعتباری مدارس چندپایه و عدم توجه خاص به تجهیز این مدارس به ابزارهای آموزش الکترونیکی و مجازی؛ نیمه‌وقت شدن مدارس و حذف بیتوته آموزگاران؛ عدم اختصاص مزایای مالی به آموزگاران چندپایه است. برخی از مصاحبه‌شوندگان از افزایش حق خدمت در روستا به عنوان یک عامل انگیزشی برای افزایش اثربخشی تدریس معلمان چندپایه یاد کرده‌اند؛ ولی برخی دیگر همین عامل را اگرچه می‌تواند برانگیزاننده باشد، به عنوان یک محدودیت بیان کرده‌اند. استدلال آن‌ها این بوده که این افزایش حق خدمت در روستا موجب افزایش درخواست کارکنان اداری و آموزشی دارای سوابق بالا و نزدیک به بازنشستگی برای خدمت در روستا شده است که در نتیجه، امکان حضور معلمان جوان، علاقه‌مند، باتجربه و آموزش‌دیده را در این روستاها کاهش می‌دهد. تقریباً تمام مزایای بیان شده برای کلاس‌های چندپایه همان مزیت‌های عمومی کلاس‌های چندپایه در تمام نقاط دنیا بوده که برخی پژوهش‌های داخلی و خارجی آن‌ها را تأیید کرده‌اند. از جمله پراهل، داگلاس، جانسون و وست اسمیت (۲۰۱۳) در آمریکا، حدادیان، محمودی، رضاپور و ادیب (۱۳۹۴) و مرتضوی‌زاده، نیلی، نصرافهانی و حسنی (۲۰۱۷) در ایران نیز وجود این مزیت‌ها را برای کلاس‌های چندپایه، تأیید کرده‌اند.

یافته‌های این پژوهش و مطالعه پیشینه در سایر کشورها نشان می‌دهد که کلاس‌های چندپایه نه یک محدودیت، بلکه یک فرصت است که می‌تواند برای مناطق کم جمعیت به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به این که کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی و عشایری برقرار می‌شود و نظر به شرایط اقتصادی اجتماعی این مناطق، چنانچه محتواها و برنامه‌های آموزشی مبتنی بر سوادآموزی تابعی و متناسب با شرایط این مناطق، تدوین و اجرا گردد، کلاس‌های چندپایه به مراتب اثربخشی بیشتری نسبت به کلاس‌های تک‌پایه، خصوصاً در توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی خواهد داشت. اگرچه کلاس‌های چندپایه نسبت به کلاس‌های تک‌پایه دارای محدودیت‌هایی برای رشد ذهنی دانش‌آموزان می‌باشد؛ ولی این کلاس‌ها به مراتب، قابلیت بیشتری برای رشد جسمی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی دارند. البته این اثربخشی منوط به پذیرش ضرورت وجود کلاس‌های چندپایه به عنوان واقعیتهای اجتناب‌ناپذیر توسط مدیران آموزشی و توجه ویژه به این کلاس‌ها است.

با توجه به تجارب زیسته معلمان کلاس‌های چندپایه شرکت کننده در این پژوهش و تجزیه و تحلیل این تجارب، پیشنهادات ذیل در دو سطح مختلف ارائه شده که این پیشنهادات به تأیید مصاحبه‌شوندگان نیز رسیده است.

الف. پیشنهادات در سطح وزارتی

۱. اعمال مزایای ریالی خاص در حکم معلمان کلاس‌های چندپایه؛
۲. تدوین محتواهای آموزشی مخصوص کلاس‌های چندپایه با توجه به اصول سوادآموزی تابعی. بسیاری از کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی کم جمعیت و مستعد مهاجرت به شهر تشکیل می‌گردد. تجارب جوامع موفق نشان داده که چنانچه محتواهای آموزشی در راستای ارتقای مهارت‌های زندگی در شرایط خاص منطقه و آشنایی با حرفه‌های بومی تدوین و ارائه گردد، هم با کاهش تمایل به مهاجرت، جمعیت روستایی همراه است و هم اهداف آموزش و پرورش تحقق می‌یابد. لاوگراو، ترجمه سمیعی (۱۳۹۲) نیز معتقد است یکی از وظایف مدرسه روستایی این است که به کودکان پیامورد به جای وابستگی به محیط، بر آن چیره شوند. کودکان روستایی به این منظور باید تعلیمات بنیانی شایسته‌ای کسب کنند. منظور این نیست که تربیت کشاورزی بر آن‌ها تحمیل شود، بلکه از کشاورزی باید برای تربیت آن‌ها استفاده شود؛
۳. دو هفته کردن مدارس چندپایه با پرداخت حق‌الزحمه به معلم از یک طرف، موجب افزایش تعامل و ارتباط عاطفی معلم با دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها می‌شود و از طرف دیگر زمان بیشتری برای تدریس فراهم می‌آورد، این مورد، امکان بیتوته معلم را نیز فراهم می‌کند؛
۴. تدوین ملاک‌های ارزیابی عملکرد معلمان چندپایه به صورت اختصاصی؛
۵. تخصیص اعتبارات خاص برای مدارس چندپایه در موافقت‌نامه‌های اعتباری.

ب. پیشنهادات در سطح مناطق آموزشی

۱. تدارک و اجرای مستمر دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای معلمان چندپایه؛
 ۲. تدارک جلسات مستمر هم‌اندیشی معلمان چندپایه در قالب گروه آموزشی چندپایه؛
 ۳. توجه اعتباری به کلاس‌های چندپایه و تجهیز این کلاس‌ها به نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای آموزشی. یکی از مهم‌ترین راهکارهای غلبه بر محدودیت زمان و تسهیل یادگیری در کلاس‌های چندپایه که مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته، استفاده از ابزارهای فناوری و نرم‌افزارهای آموزشی است. به علاوه، بسیاری از تحقیقات (از جمله تحقیقات اُزتورک^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در ترکیه و پیری و شاهی (۱۳۹۵) در ایران) نشان می‌دهند که استفاده از فناوری‌های جدید و ابزارهای چندرسانه‌ای می‌تواند با کاهش محدودیت‌های تدریس در کلاس‌های چندپایه، افزایش اثربخشی تدریس در این کلاس‌ها را تضمین نماید؛
 ۴. انتخاب راهبران آموزشی که علاوه بر تحصیلات مرتبط دانشگاهی، دارای سوابق و تجارب موفق در تدریس کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه باشند؛
 ۵. انتخاب معلمان بومی برای کلاس‌های چندپایه؛
 ۶. امکان تداوم خدمت معلمان علاقه‌مند و موفق کلاس‌های چندپایه در مدارس قبلی، بدون شرکت در سازماندهی سالانه؛
 ۷. تفویض اختیارات بیشتر به معلمان چندپایه در انتخاب ساعات تشکیل کلاس و طراحی و اجرای فعالیت‌های یادگیری خلاق و خارج از محیط کلاس؛
 ۸. حتی‌المقدور ترکیب کلاس‌های چندپایه مناطق هم‌جوار به دو گروه متناسب سنی یا جنسی.
- ج. پیشنهاداتی برای معلمان کلاس‌های چندپایه
۱. شناسایی و استفاده از امکانات و استعداد‌های بالقوه والدین از طریق تعامل مستمر و مؤثر با آن‌ها؛
 ۲. استفاده حداکثری از ابزارهای فناوری در دسترس (گوشی همراه، تبلت و ...) و ممکن‌الوصول؛
 ۳. استفاده از روش‌های مشارکتی و دستیار معلم متناسب با شرایط و محتوا؛
 ۴. ارتباط مستمر با سایر معلمان چندپایه به صورت جلسات هم‌اندیشی و ایجاد گروه‌های تخصصی در فضای مجازی؛
 ۵. استفاده حداکثری از موقعیت‌های واقعی زندگی دانش‌آموزان و علایق آن‌ها در آموزش؛
 ۶. ایجاد امکان اسکان در محل خدمت برای معلمان؛
 ۷. استفاده از دانش‌آموزان به صورت گروهی در فعالیت‌های اقتصادی و کمک به خانواده‌ها و استفاده از این فضا برای تدریس.

1. Ozturk

منابع

- آقازاده، محرم؛ و فضلی، رخساره. (۱۳۸۹). *راهنمای آموزش در کلاس‌های چندپایه*. تهران: نشر آبیژ.
- بشیری حدادان، کلثوم؛ محمودی، فیروز؛ رضاپور، یوسف؛ و ادیب، یوسف. (۱۳۹۴). توصیف تجارب و ادراک معلمان و کارشناسان از آموزش در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی مناطق روستایی کلیبر. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۲(۷)، ۱۲۰-۱۰۷.
- بهمن‌نیا، سینا؛ و محمودیان‌آذر، تورج. (۱۳۹۶). شیوه اداره و مدیریت کلاس درسی چندپایه. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳(۱/۲)، ۱۴۴-۱۳۵.
- پیری، موسی؛ و شاهی، رقیه. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش چندرسانه‌ای بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ششم کلاس‌های چندپایه عشایری در درس علوم تجربی. *فناوری آموزش*، ۱۱(۱)، ۱۹-۱۱.
- خاکزاد، فاروق؛ دهقانی، مرضیه؛ و رزی، جمال. (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه یادگیری ضمنی و پیشرفت تحصیلی در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۷(۱)، ۵۶-۴۱.
- رحمانی، علی. (۱۳۹۶). مدیریت زمان در کلاس‌های چندپایه، *مطالعات آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری*، ۳(۸)، ۴۰-۵۵.
- سلیمانی، نادر؛ حدادیان، احمد؛ و شهرابی، کاظم. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و عادی در مدارس ابتدایی. *رهبری و مدیریت آموزشی*، ۴(۴)، ۱۲۹-۱۴۴.
- عباس‌پور، محمدرضا؛ جهانی، رضا؛ و مناجاتی‌پور، غلامرضا. (۱۳۹۵). راهبری و مدیریت مدارس کوچک با کلید خودراهبری. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۲(۴)، ۲۰-۱۵.
- عزیزی، نعمت‌اله؛ و حسین‌پناهی، خلیل. (۱۳۹۲). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان مدارس عادی در مهارت‌های زبان فارسی. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۲(۳)، ۱۷۹-۱۹۴.
- فضلی، رخساره. (۱۳۸۲). پیشینه کلاس‌های چندپایه. *رشد معلم*، شماره ۱۷۹، ۵۲-۵۰.
- کرسول، جان‌دبلیو؛ و پلانوکلاک، ویکی‌ال. (۲۰۰۷). *روش‌های پژوهش ترکیبی* (ترجمه علیرضا کیامنش و جاویدسرای، ۱۳۹۴). تهران: انتشارات آبیژ.
- لاوگراو، ن. س. (۱۳۹۲). *معلمان چندپایه، کلاس‌های چندپایه* (ترجمه احمد سمیعی). *رشد معلم*، شماره ۷، ۱۶-۱۲.
- مرادی، حافظ؛ و بیگدلی، محمد. (۱۳۹۵). مدیریت زمان در تدریس کلاس‌های چندپایه. *زنگان: نشر آذرکلک*.
- مکوسانا، کنعان؛ و کاپیسا، ماری‌جویس. (۱۳۸۶). *خودآموز تدریس چندپایه*. (ترجمه محرم آقازاده)، تهران: نشر آبیژ.

- Little, A. W. (2001). Multi-grade teaching: towards an international research and policy agenda. *International Journal of Educational Development*, 21(6), 481-497.
- Mortazavizadeh, S. H., Nili, M. R., Isfahani, A. R. N., & Hassani, M. (2017). Teachers' Lived Experiences about Teaching-Learning Process in Multi-Grade Classes. *Journal of Education and Learning*, 6(4), 354-363.
- Öztürk, M., Yilmaz, G. K., Akkan, Y., & Kaplan, A. (2015). Computer Applications with the Related Facts in Multi-Grade: Teachers Opinions. *Journal of Education and Human Development*, 4(2), 158-170.
- Proehl, R. A., Douglas, S., Elias, D., Johnson, A. H., & Westsmith, W. (2013). A collaborative approach: Assessing the impact of multi-grade classrooms. *Journal of Catholic Education*, 16(2), 417-440.